



## من لنین نیستم... من بازی نمی خورم

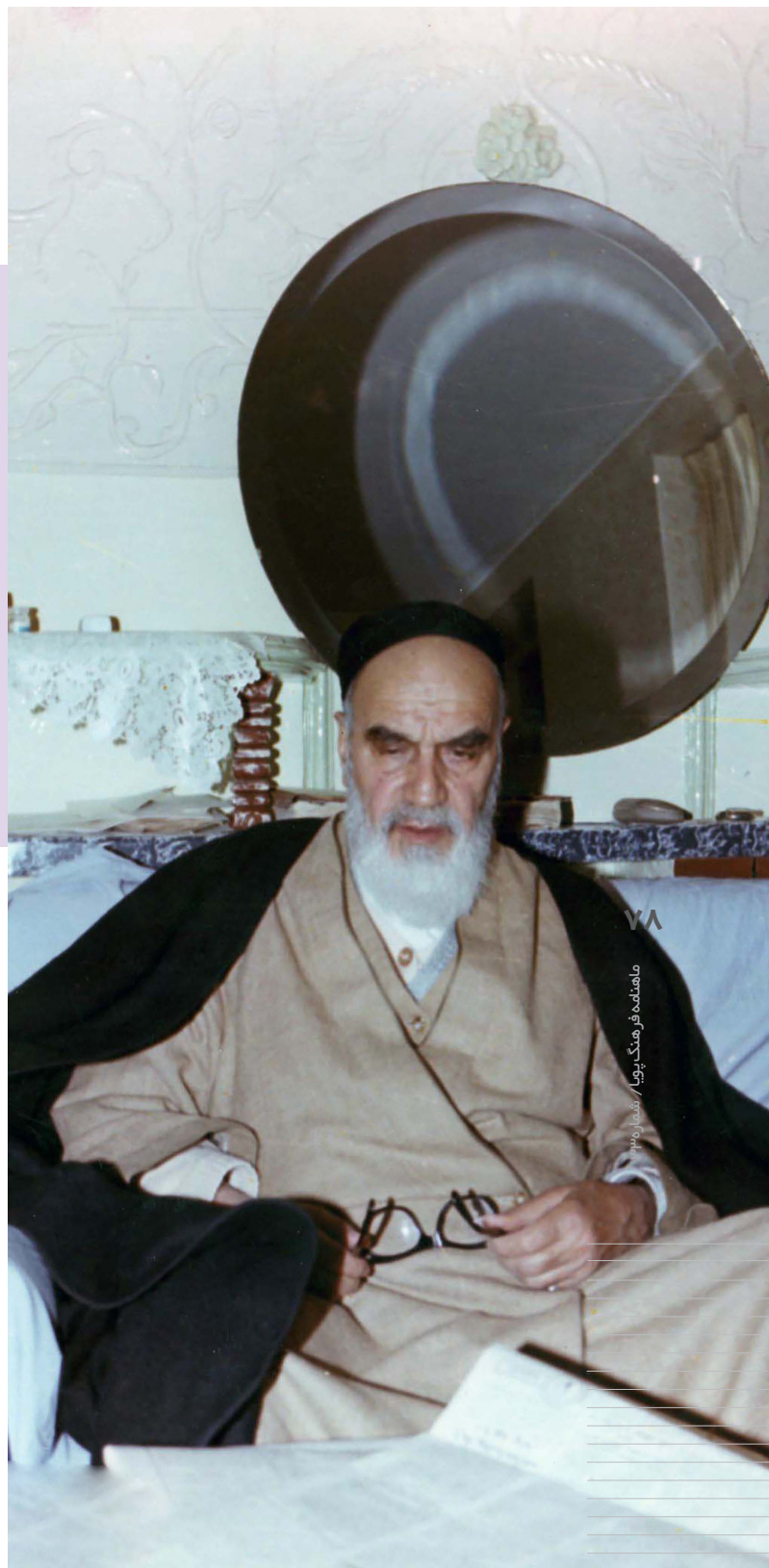
اشاره

امام خمینی رحمه الله که پیش از انقلاب، در بیان تفاوت خود با جریان عزت‌نشین و مروجان اسلام آمریکایی فرموده بودند «من پاپ نیستم که فقط روزهای یکشنبه مراسمی انجام دهم و بقیه اوقات برای خودم سلطانی باشم و به امور دیگر کاری نداشته باشم» (صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۷۰) در نیمه اردیبهشت ۱۳۶۲ پس از پی بردن به نبودن لایه داخلی روزنامه اطلاعات و توزیع نشدن آن در محدوده منطقه تجریش و جماران! تفاوت خود را با رهبران بلوک شرق و دنیای کمونیست آشکار ساختند. ایشان پس از دستیابی به این لایه روزنامه، دستور توقیف روزنامه اطلاعات را صادر کردند و با بیان این نکته که «من لنین نیستم که استالین یک روزنامه مخصوص او چاپ می‌کرد و می‌گذاشت جلوی او در سراسر شوروی روزنامه دیگری را منتشر می‌ساخت» تفاوت یک رهبر الهی را با رهبران دیگر نمایان کردند. امام رحمته الله در بیان علت دستور توقیف روزنامه اطلاعات نیز یادآوری کردند: «یک جایی من می‌بایست بایستم تا بدانند من بازی نمی‌خورم» حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود دعایی از این برخورد امام رحمته الله چنین یاد می‌کند:

یک روز صبح در سال ۶۲ من در دفتر کارم نشسته بودم و مشغول تنظیم تیرهای روزنامه اطلاعات بودم و آن را آماده می‌کردم که آقای انصاری از جماران زنگ زد و گفت که امام فرمودند تا اطلاع ثانوی اطلاعات چاپ نشود. برای من خیلی تکان دهنده بود. روزنامه اطلاعات توقیف بشود آن هم با امر قاطع امام خمینی. طبیعتاً می‌بایست سوء تفاهمی پیش آمده باشد که تبعاً مسأله‌ای قابل حل است.

موفق به تماس گرفتن با امام نشدم. آزرده‌گی و ناراحتی ایشان در حدی بود که مجال نمی‌دادند برای توضیح خدمت ایشان برسم. نزد آقای خامنه‌ای که آن موقع رئیس جمهور و سپس نزد آقای هاشمی که رئیس مجلس بودند رسیدم و ماجرا را تعریف کردم. آن‌ها هم از اتفاقی که افتاده بود ابراز تأسف کردند و به دلیل اصرار من و لطف و علاقه‌ای که به من داشتند سعی کردند که تماس بگیرند.

افسردگی و آزرده‌گی امام در حدی بود که برای تنبیه کردن من و نشان دادن قاطعیت جدی حتی به آن‌ها هم اجازه ندادند که تماس بگیرند. ما ریشه‌یابی کردیم و بالاخره معلوم شد که تصادفاً آن روز صفحات لایه روزنامه در منطقه تجریش و جماران توزیع نشده بود.





## یک روز صبح در سال ۶۲ من در دفتر کارم نشسته بودم و مشغول تنظیم تیترهای روزنامه اطلاعات بودم و آن را آماده می‌کردم که آقای انصاری از جماران زنگ زد و گفت که امام فرمودند تا اطلاع ثانوی اطلاعات چاپ نشود. برای من خیلی تکان دهنده بود. روزنامه اطلاعات توقیف بشود آن هم با امر قاطع امام خمینی. طبیعتاً می‌بایست سوءتفاهمی پیش آمده باشد که تبعاً مساله‌ای قابل حل است.

برایشان پیش آمد که چرا روزنامه‌ای که لایبی ندارد چاپ شده است. یکی از مسؤولین دفتر را به دنبال روزنامه فرستادند. آن فرد مسؤول به تجریش آمده بود و دیده بود روزنامه‌ها لایبی ندارد. از آن طرف به اقدسیه رفته بود و دیده بود در آن جا هم لایبی ندارد. اما وقتی به پایین‌های شهر رسیده بود متوجه شد که روزنامه‌های اطلاعات با لایبی توزیع شده است. امام ناراحت شدند و گفتند: چرا این روزنامه با این شکل به دست من می‌رسد و با روزنامه‌هایی که در سطح شهر پخش می‌شود فرق دارد؟ تصادفاً همان روز در قسمت لایبی روزنامه، مطلبی از کتاب مباحث اقتصادی استاد مطهری نقل شده بود و امام قبلاً دستور داده بودند که در این کتاب تجدیدنظر شود. چون گفته شده بود که همه مطالبش از خود استاد نیست.

این مطلب، توسط همکاران روزنامه در سرویس اقتصادی به مناسبت سالگرد شهادت مرحوم مطهری چاپ شده بود. تلقی امام این بود که ما کتابی را که به منظور بررسی تا اطلاع ثانوی ممنوع شده و نمی‌بایست چاپ شود چاپ کرده‌ایم و تازه برای این که امام خمینی از این امر مطلع نشود لایبی روزنامه را هم به دست ایشان نرسانده‌ایم. حتی در منطقه وسیع شمیران و تجریش و اقدسیه پخش نکرده‌ایم ولی در سطح کشور و بین مردم پخش کرده‌ایم. امام تعبیر زیبایی کرد و گفت: من لنین نیستم که استالین یک روزنامه مخصوص او چاپ می‌کرد و می‌گذاشت جلوی او و در سراسر شوروی روزنامه دیگری را منتشر می‌ساخت. یک جایی من می‌بایست بایستم تا بدانند من بازی نمی‌خورم.

البته امام با سعه‌صدری که داشتند وقتی بالاخره ما موفق شدیم نزد ایشان توضیح بدهیم، اجازه دادند که روزنامه از توقیف دربیاید. این واقعه تلخ‌ترین واقعه دوران خدمت من در روزنامه اطلاعات بود و دشمن هم علی‌الخصوص در خارج از کشور از این مساله خیلی استفاده کرد به طوری که من تصمیم به استعفا گرفتم.

\* برگرفته از کتاب گوشه‌ای از خاطرات حجت‌الاسلام سید محمود دعایی، ص ۲۰۱ تا ۲۰۴.

ماجرای این قرار بود که روزنامه دو بخش داشت: صفحات رویی و صفحات لایبی. صفحات لایبی از قبل تدارک دیده می‌شد یعنی شب چاپ می‌شد و صبح آماده بود. اما صفحات رویی که هشت صفحه بود و اخبار مهم روز و لحظه‌ای را داشت، در روز تنظیم می‌شد و در آخرین لحظات یعنی حدود یک یا دوی بعد از ظهر از چاپ بیرون می‌آمد.

صبح آن روز وقتی ما آمدیم، دیدیم در صفحات لایبی که روز قبل چاپ شده است عبارتی چاپ شده که غلط چاپی زشتی در آن وجود دارد. طبیعتاً انتشار آن به مصلحت نبود. ما لایبی را جمع کردیم. تعداد زیادی لایبی جمع شد. طبیعتاً این‌ها می‌بایست خمیر بشود و لایبی دیگر چاپ گردد. معمولاً برای تسریع در امر توزیع روزنامه، روزنامه‌فروش‌ها صبح می‌آمدند لایبی را می‌بردند و ظهر هم رویی را، و بعد از ظهر هم لایبی و رویی را با هم تلفیق و توزیع می‌کردند.

دوستان همت کرده بودند و لایبی‌ها را از روزنامه‌فروشی‌ها پس گرفته بودند تا اصلاح شده‌های آن توزیع شود، اما با وجود این که لایبی‌های اصلاح شده حاضر بود، به دلیل حساسیت منطقه تجریش و جماران شاید اصلاح شده‌ها را به آن‌جا نفرستاده بودند تا نکند یک وقت در لایبی اصلاح شده هم نسخه‌ای از همان قبلی‌ها باشد. یا شاید به دلیل شلوغی و آشفتگی آن روز و نیز خلاف روال بودن این کار، راننده‌ها لایبی‌های جدید را به جای لایبی‌های قبلی به این منطقه نبرده بودند. این احتمال قوی‌تر بود و قبلاً هم در مواردی این امر برای مناطق دیگری اتفاق افتاده بود. البته احتمال هم داده می‌شد که دستی برای خرابکاری بود تا نگذارد آن روز در آن منطقه، روزنامه اطلاعات به درستی توزیع شود.

ما معمولاً برای دفتر امام، روزنامه هر روز را با پیک می‌فرستادیم. به خاطر همین جریان‌ها، آن روز، روزنامه دیر از چاپ بیرون آمد.

امام هنگام مطالعه دیدند که روزنامه‌ها نیامده است. توصیه کردند که کسی پرود روزنامه را بگیرد و بیاورد. وقتی از بیرون روزنامه را آوردند، دیدند که روزنامه‌فروش فقط صفحه‌های رویی روزنامه را داده است. وقتی ما هم روزنامه را فرستادیم امام حساس شدند و این سؤال